



دوماهنامه علمی- پژوهشی

۱۰د، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۱۶۹-۱۸۹

طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه استدلال تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی

ابوالفضل مزینانی^۱، سحر نصیری^۲

۱. دکتری زبان‌شناسی، مدرس گروه زبان انگلیسی پردیس شهید بهشتی مشهد، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۱۲/۹

پذیرش: ۹۷/۳/۲

چکیده

ساختار درونی استدلال، به لحاظ سنتی، از یک یا چند مقدمه، یک یا چند برهان یا روش استقرایی و تنها یک نتیجه (ادعا) تشکیل می‌شود؛ مباحثه استدلالی، معمولاً با طرح داده‌هایی درست یا غلط آغاز می‌شود، و با ارائه دلیل و برهان اوج می‌گیرد و به نتیجه‌گیری یا ادعا، ختم می‌شود. در این فرایند دست‌کم دو نفر مخالف و موافق نتیجه‌گیری‌ها درگیرند که تلاش می‌کنند بر دیگری فائق آیند. تولمین با ملاحظه این فرایند استدلالی و مذاقه در نظریه‌پردازی فلاسفه نسبی‌گرا و مطلق‌گرا در این خصوص، به ارائه مدلی شش-مؤلفه‌ای دست یازید که از برخی جنبه‌ها مطلق‌گرا و از برخی دیگر نسبی‌گرایانه است. در مدل او، استدلال دارای اجزای ادعا، برهان، داده‌های حقیقی، شاخص‌های قطعیت، پشتوانه، و ریه است که سه مورد اول، لازم، و سه مورد آخر، اختیاری هستند. با گذر زمان، زمزمه‌های ظرفیت کاربرد این مدل در مسائل زبان-شناختی و تحلیل گفتمانی به گوش رسید. در همین راستا، با توجه به فقدان روش تحقیقی سامان‌یافته در این زمینه، در پژوهش حاضر با طراحی چند هدف و سؤال پژوهشی، روش تحقیقی پیشنهاد شد تا بتوان از توان تحلیلی مدل تولمین در حوزه‌های سبک‌شناسی، زبان‌شناسی حقوقی و تحلیل گفتمان بهره گرفت. هدف اصلی روش تحقیق پیشنهادی «شناخت سبک استدلال‌ورزی نویسنده منتخب در اثری گزیده از او» است که به تبع آن، دارای ۵ پرسش پژوهشی است. کاربست این روش روی سه متن از ژانرهای مختلف نشان داده شد که عبارت‌اند از شعری از اعتصامی با عنوان «فرشته انس»، نمونه‌ای از لویح دفاعی، و سخنرانی سیاسی ترامپ در باب سیاست خارجی امریکا پیش از انتخاب به ریاست جمهوری.

واژه‌های کلیدی: روش تحقیق، نظریه استدلال تولمین، سبک استدلال‌ورزی، تحلیل گفتمان حقوقی.

۱. مقدمه

نظریه استدلال^۱ یا استدلال‌ورزی، مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای است و به این مسئله می‌پردازد که چگونه از طریق استنتاج منطقی^۲ می‌توان به نتیجه خاصی رسید. استنتاج منطقی بدین معناست که ادعاهایی، چه صحیح چه غلط، مبتنی بر مقدمه‌هایی مطرح شود. این فرایند در علوم انسانی، مناظره‌های مدنی، مباحثه و گفت‌وگو کاربرد داشته و هدف از آن غالباً اقناع مخاطب و دفاع از اعتقادات و یا منافع طرفین است.

استدلال در رایج‌ترین شکل آن، شامل یک فرد حامی و یک فرد مخالف درگیر در گفت‌وگوست، به نحوی که هر کدام تلاش می‌کنند تا یکدیگر را متقاعد کنند. انواع دیگر گفت‌وگو علاوه بر اقناع، مناظره، پرس‌وجو، مذاکره، مشورت و روش دیالکتیکی است. در دیدگاه سنتی، ساختار داخلی استدلال از یک یا چند فرض (مقدمه)، یک روش استدلالی، و تنها یک نتیجه (ادعا) به شرح زیر تشکیل می‌شود:

- یک یا چند فرض یا مقدمه
- استفاده از یک روش استدلالی منطقی (استقرا، قیاس، و ...)
- یک نتیجه یا ادعا.

نظریه استدلال ریشه‌های خود را از بنیادگرایی^۳ - که از نظریه‌های معرفت‌شناسی دانش در حوزه فلسفه محسوب می‌شود - گرفته است. بنیادگرایی به دنبال پیدا کردن مبانی ادعاهای مطرح در صورت (منطق) و محتوای (قوانین واقعی) یک نظام جهانی دانش است؛ اما متخصصان حوزه استدلال به تدریج فلسفه سیستماتیک ارسطو و ایده آلیسم افلاطونی و کانتی را رد کردند. آن‌ها این ایده را که مقدمات و مواضع استدلالی رسمیت و صحت خود را از سیستم‌های صوری فلسفی می‌گیرند، به چالش کشیدند و در نهایت کنار گذاشتند. از این رو، حوزه استدلال گسترش یافت (Gronbeck, 1980: 10-11).

امروزه، گستره مطالعات استدلالی به حدی است که نفوذ آن در حوزه‌های زیر به وضوح دیده می‌شود: الف) مباحث حقوقی: استدلال‌ورزی در دفاع از یک متهم یا محکوم کردن او در دادگاه، و نیز در سنجش اعتبار شواهد و مدارک خاص کاربرد دارد؛ ب) تصمیم‌گیری‌های سیاسی و قانون‌گذاری: محققان و نظریه‌پردازان در این حوزه به بررسی توجیه‌های فراعقلانی

آن دسته از فعالان سیاسی / اجتماعی می‌پردازند که سعی می‌کنند تصمیم‌های گذشته خود را توجیه کنند.

ذکر همین دو حوزه پیش‌گفته کافی است که ارتباط مطالعات استدلال‌ورزی را با حوزه‌های زبان‌شناختی سبک‌شناسی، تحلیل مکالمه، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی درک کنیم. البته، کاربست نظریه استدلال به‌عنوان یکی از ابزارهای تحلیلی در مجموعه‌ابزار به خدمت گرفته‌شده در رویکرد گفتمانی-تاریخی (Wodak, 2001, 2015; Reisigl & Wodak, 2009) و مدل تحلیل گفتمان موضوعی (نک: مزینانی، ۱۳۹۶؛ مزینانی و همکاران، ۱۳۹۷) به چشم می‌خورد؛ اما به دو دلیل الف) اینکه کاربرد نظریه استدلال آن‌چنان گسترده است که می‌توان از آن به‌عنوان یک جعبه‌ابزار کامل استفاده کرد، و ب) اینکه به‌نظر می‌رسد تاکنون روش تحقیقی تدوین نشده است که خاص کاربست نظریه‌های استدلال باشد، در این مقاله این هدف دنبال می‌شود که برای کاربرد مدل استدلال تولمین در حوزه‌های زبان‌شناختی پیش‌گفته و تحلیل نمونه‌متن‌هایی بر اساس آن، روش تحقیق مدونی پیشنهاد شود. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش بدین شرح است:

- برای طراحی روش تحقیق تحلیلی بر مبنای مدل استدلال تولمین و بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت آن، چه می‌توان کرد؟
- استفن ای. تولمین که یکی از مشهورترین و کارآمدترین نظریه‌های استدلال را ارائه کرده فیلسوف تحصیل‌کرده در کمبریج، دانشجوی ویتگنشتاین، و تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز در این حوزه است (See Ronald, 2006). در مدل این فیلسوف که در بخش بعدی تشریح خواهد شد، هر استدلال دارای ۶ مؤلفه است. سؤال فوق با این فرض دنبال شد که با طرح چند سؤال پژوهشی متن‌کاوانه مبنی بر شناسایی مؤلفه‌های شش‌گانه این مدل و تحلیل متناسب با هر کدام (که از تحلیل صحت و سقم داده‌ها تا شناخت حوزه طرح دعاوی و برهان‌ها را در بر می‌گیرد) می‌توان به روش تحقیق مدونی دست یافت.

۲. پیشینه پژوهش

در دیدگاه سنتی، غالباً، منطق کلاسیک به‌عنوان روش استدلال به خدمت گرفته می‌شود تا نتیجه مد نظر به‌صورت منطقی از مقدمه حاصل شود؛ اما در این صورت، سؤال مطرح این است که

اگر مفروضات مقدمه بیش از یک مورد باشد و با هم همخوان و سازگار نباشند، به لحاظ منطقی، درنهایت می‌توان به هر نتیجه‌ای، هرچند ناپایدار، رسید. در طول تاریخ فلسفه، این چالش، محققان و فیلسوفان بسیاری را برآن داشته است که در این زمینه نظریه‌پردازی کنند. تولمین نشان می‌دهد که حتی یک مدل ساده مباحثه نیز می‌تواند روش‌های مبنایی استدلال-ورزی را در خود داشته باشد؛ به نحوی که ادعای طرح‌شده موجه، قانع‌کننده و مقاوم در برابر انتقاد باشد. مدل استدلال شش‌بخشی که ابتدا در سال ۱۹۵۸ در کتاب *کاربردهای استدلال* او (See Toulmin, 2003 : 87-95) طرح و معرفی شده است، سه شاخصه اصلی و سه شاخصه فرعی دارد:

- (۱) یک ادعا: نتیجه‌هایی که روایی و اعتبار آن‌ها مورد بحث است؛
- (۲) داده‌ها: اطلاعات، شواهد و حقایقی که به‌عنوان پایه‌ها و اساس هر ادعا به آن‌ها استناد می‌شود؛
- (۳) برهان: گزاره‌های مفروض، منطقی و بعضاً ضمنی که بین داده‌ها و ادعا پل می‌زنند. احکام و گزاره‌های عقلی، نقلی، قانونی، و یا تجربی را می‌توان به‌عنوان برهان و مستندات ادعا تلقی کرد؛
- چنان‌که گفتیم، این سه عنصر اساسی یعنی «ادعا»، «داده» و «برهان» به‌عنوان اجزای اساسی استدلال‌های عملی در نظر گرفته می‌شوند؛ درحالی که سه مؤلفه تکمیلی دیگر نیز به شرح زیر ممکن است در برخی از استدلال‌ها به کار رفته و احتمالاً سبب افزایش ظرفیت اقناعی آن‌ها شوند:
- (۴) پشتوانه: حقایق دیگری که در حمایت از برهان بیان می‌شود؛ به دیگر سخن، گزاره-های معتبری که برهان به‌واسطه آن‌ها قدرت اقناعی بیشتری می‌یابد، پشتوانه نام دارند. پشتوانه هنگامی اهمیت می‌یابد که برهان به اندازه کافی برای خوانندگان یا شنوندگان قانع‌کننده نیست.
- (۵) ردیه یا نقیض: به داده‌هایی که به‌سبب آن برهان اصلی تضعیف و ادعا رد می‌شود نقیض یا ردیه گویند.
- (۶) شاخص‌های قطعیت: این‌ها واژه‌ها یا عباراتی در کلام گوینده هستند که میزان درجه اطمینان، اعتماد، یا تضمین او نسبت به دعاوی مطرح را نشان می‌دهند. چنین کلمات یا عبارات عبارت‌اند از «حتماً»، «احتمالاً»، «غیرممکن»، «قطعاً»، «شاید»، «تا آنجا که به شواهد دسترسی

داریم» و یا «لزوماً».

نیز، این مؤلفه‌ها با متن محقق‌ساخته زیر نشان داده می‌شوند:

«نهادهای ذی‌صلاح باید قربانی کردن حیوانات در آزمایش‌های مربوط به لوازم آرایشی را ممنوع کنند [ادعا]. در این آزمایش‌ها حیوانات شکنجه و یا کشته می‌شوند [داده]. درواقع، هیچ ضرورتی در این زمینه دیده نمی‌شود که این کار را توجیه کند [برهان ۱]. سلامت و زندگی حیوانات مهم‌تر از سود صنایع آرایشی است [برهان ۲]. از طرفی، انسان از زنده بودن برخی از حیوانات بهره بیشتری می‌برد [برهان ۳]. البته، گمان می‌کنم انجام این آزمایش‌ها در سایر حیطه‌ها مانند آزمایش‌های دارویی تا حدی لازم است [شاخص]. چون ممنوعیت تام باعث کند شدن روند پیشرفت پزشکی و راه‌حل‌های درمانی می‌شود [نقیض].»

در چارچوب مدل تولمین، نویسنده در آغاز متن فوق ادعایی در باب ممنوعیت آزمایش روی حیوان درخصوص تقویت صنعت لوازم آرایشی طرح می‌کند. وی پس از طرح این ادعا به داده یا حقیقتی مبنی بر شکنجه و مرگ حیوانات در آزمایش‌ها اشاره می‌کند و برای توجیه ادعای خود از برهان‌های عقلی «ضرورت» و «سلامت و زندگی حیوانات مهم‌تر از سود صنایع آرایشی است» استفاده می‌کند. این نویسنده به این برهان‌های عقلی بسنده نمی‌کند و برهان تجربی «انسان از زنده بودن برخی از حیوانات بهره بیشتری می‌برد» را به‌عنوان پشتوانه به خدمت می‌گیرد. از طرفی، این نویسنده با طرح یک شاخص و نقیض ادعای خود و برهان ۲ را تعدیل و ابراز می‌کند که با ممنوعیت تام آزمایش‌های حیوانی مخالف است.

چنان‌که در مقدمه هم به آن اشاره شد، رویکرد گفتمانی - تاریخی که عمدتاً به قلم ووداک تدوین و گسترش یافته است، نظریه بافت، نظریه استدلال (سنتی) و مجموعه پنج استراتژی گفتمانی، یعنی استراتژی اسناد، استراتژی ارجاع، استراتژی استدلال‌ورزی، استراتژی دیدگاه-سازی و استراتژی تشدید/تخفیف را در جعبه‌ابزار خود دارد. در این رابطه، مزینانی (۱۳۹۶) می‌نویسد که اصطلاح استراتژی در رویکرد ووداک اصطلاح عامی است که سایر واژگان تخصصی مصطلح در حوزه تحلیل گفتمان و کاربردشناسی زبان نظیر کنش گفتار، کنش حفظ/تهدید وجهه، قطعیت و وجهیت را در برمی‌گیرد. این پژوهشگر معتقد است که تحلیل قطعیت در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرا در دل استراتژی اسناد ووداک قرار می‌گیرد و نظریه ادب را نیز می‌توان بخشی از استراتژی تشدید/تخفیف قلمداد کرد (همان: ۷۹). از طرفی، شاخص‌های

قطعیت در مدل تولمین نیز در بطن همین استراتژی قرار می‌گیرند.

در این رویکرد تحلیلی - انتقادی، نظریه استدلال در دل استراتژی استدلال‌ورزی قرار دارد. طبق این نظریه، ادعاهای مطرح در یک متن یا گفته از یکسو، و اشارات، برهان‌ها و مواضع عقلی مشهود در متن که جهت مشروع‌سازی یا سلب مشروعیت از آن‌ها به کاررفته‌اند، شناسایی می‌شوند (Wodak, 2001: 74).

مدل تحلیل گفتمان موضوعی نیز روش تحقیق دیگری است که در رساله دکتری مزینانی (۱۳۹۶) تدوین و در مقاله مزینانی و همکاران (۱۳۹۷) معرفی شده است. مزینانی با هدف بسط و تعمیم اهداف و فلسفه کاربردی رویکرد تفسیر موضوعی شهید صدر (نک. صدر، ۱۴۲۸؛ قاسم‌پور و نظریگی، ۱۳۹۲؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۳) از حوزه متون مذهبی به حوزه متون غیرمذهبی ازجمله ادبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، اهداف نظری و مراحل عملی تفسیر شهید صدر را با جعبه ابزار تحلیل ووداک ازجمله نظریه استدلال تلفیق می‌کند و مدل مذکور را جهت تدوین «آرمان‌نامه‌های موضوعی» ارائه می‌دهد.

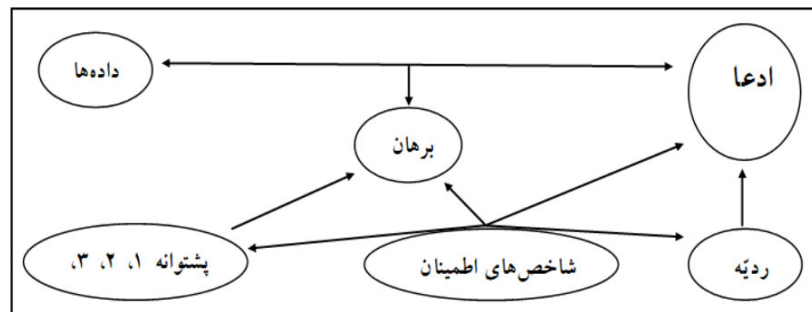
۳. روش تحقیق پیشنهادی این مقاله

تولمین که در ابتدا نظریه استدلال خود را برای تقویت دعاوی و دفاعیه‌ها در دادگاه طرح کرده - بود، پس از یکی دو دهه به کاربرد آن در سایر حوزه‌ها بالاخص تحلیل گفتمان نیز پی برد و در یکی از نوشته‌های خود به آن اشاره کرد. آراء تولمین نه تنها از ناخشنودی وی از مطلق‌گرایی^{۱۰} - به عنوان دیدگاه معرفت‌شناختی بنیادگرایان هم‌عصر با او - سرچشمه می‌گیرد، بلکه هم‌زمان از تعارض افکار وی با بیش‌نسبی‌گرایی^{۱۱} نیز زاده شده است. این بیش را می‌توان به عنوان یکی از دیدگاه‌های افراطی معرفت‌شناسی لحاظ کرد که در طیف مقابل مطلق‌گرایی است. تولمین رویکرد نوینی را به عنوان سومین گزینه، یعنی نه مطلق‌گرا و نه نسبی‌گرا، در تبیین و ملاحظه چنین مسائلی معرفی کرد که بحث و جدل^{۱۲} را به عنوان مفهومی مرکزی در نظر می‌گیرد که با لحاظ آن، دلیل‌آوری و عقلانیت^{۱۳} را می‌توان درک کرد.

تولمین برای اینکه دیدگاه خود را درباره زندگی روزمره و رد مطلق‌گرایی، البته بدون باور به نسبی‌گرایی، تبیین کند، مفهوم حوزه‌های بحث^{۱۴} را معرفی کرده است؛ وی بر این باور است

که برخی از جنبه‌های استدلال از حوزه به حوزه متفاوت است و از این رو، به عنوان «زمینه-وابسته»^{۱۰} نامیده می‌شوند؛ در حالی که جنبه‌های دیگر استدلال در تمام حوزه‌ها و زمینه‌ها یکسان بوده و کاربرد دارند و از این رو نام «زمینه‌مستقل»^{۱۱} به آن‌ها گفته می‌شود (See Toulmin, 2003: 33-37).

در همین زمینه، این فیلسوف در اثری دیگر بیان می‌کند که انسان‌شناسان و سوسه شده‌اند تا در کنار نسبی‌گرایان قرار گیرند؛ زیرا آن‌ها تأثیر تغییرات فرهنگی بر استدلال‌های منطقی را درک کرده و پذیرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، انسان‌شناسان نسبی‌گرا، اهمیت جنبه‌های زمینه‌وابسته استدلال را بیش از حد مورد توجه قرار داده و عناصر زمینه‌مستقل را نادیده گرفته‌اند (Toulmin, 1972). تولمین در طول کار خود ضمن ارائه راه‌حلهایی برای مشکلات مطلق-گرایی و نسبی‌گرایی تلاش می‌کند تا استانداردهایی برای ارزیابی ارزش ایده‌ها بسط دهد که نه مطلق‌اند و نه نسبی‌گرایانه.



نمودار ۱: بازنمون روابط حاکم بین مؤلفه‌های استدلال تولمین

Figure 1: The relationship between the components of Toulminian argumentation

با توجه به آراء تولمین، به گمان نگارندگان، نمودار ۱ بازنمای روابط حاکم بین مؤلفه‌های مدل استدلال این فیلسوف است، و اهداف و سؤالات پژوهشی زیر نیز بر این اساس طرح می‌گردد:

- اهداف پژوهشی پیشنهادی:

شناسایی دعاوی و برهان‌ها مطرح در متن منتخب، یا به عبارتی، واکاوی سبک غالب استدلال‌ورزی نویسنده، خطیب، وکیل، یا شاعر منتخب در چارچوب مؤلفه‌های مدل تولمین به-عنوان هدف کلی تعیین می‌شود که خود به اهداف خرد زیر قابل تجزیه است:

الف) شناسایی و درک دعاوی صریح یا ضمنی، زمینه مختلف این دعاوی، و اهداف خالق متن از طرح آن‌ها در بافت متنی؛ ب) شناسایی مقدمه‌ها و مفروضاتی که مبتنی بر آن‌ها نتیجه-گیری و طرح دعوی شده است؛ ج) شناسایی و کشف برهان‌ها و پشتوانه‌های صریح و ضمنی اعم از عقلی و نقلی و غیرهم که جهت اثبات مواضع و دعاوی شعری منتخب از زبان شخصیت‌های ساخته و پرداخته آن‌ها مطرح شده است؛ د) کشف مغالطه‌ها و سفسطه‌هایی احتمالی که نویسنده به کار برده است؛ و ه) بررسی میزان قطعیت دعاوی، برهان‌ها، شواهد و اطلاعات خالق اثر با واکاوی شاخص‌های قطعیت.

• سؤالات پژوهشی پیشنهادی:

از آنجا که پژوهش‌های سبک‌شناختی و تحلیل گفتمانی بنیادی ایدئولوژیک دارد، یعنی در اصل بر کشف ایدئولوژی خالق متن مبتنی است، سؤالات پژوهشی زیر خالق‌محور طرح شده-است:

- ۱) خالق متن چه ادعاهایی دارد و آن‌ها را در چه زمینه‌هایی طرح کرده است؟
- ۲) خالق متن از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی (عقلی، قانونی، نقلی، تجربی و ...) برای اقناع مخاطب و اثبات دعاوی خود استفاده کرده است؟
- ۳) بررسی شاخص‌های قطعیت مطرح در کلام خالق متن چه نتیجه‌ای در بر دارد؟
- ۴) خالق متن برای اینکه شنونده یا خواننده رابطه ادعا و برهان مطرح را درک کند، چه مفروضات یا داده‌های ارائه کرده است؟ آیا این داده‌ها کافی و مرتبط هستند؟
- ۵) تحلیلگر متخصص در برابر دعاوی خالق اثر چه نقیض یا ردیه‌ای می‌تواند ارائه دهد؟ به عبارت دیگر، ثبات دعاوی مطرح تا چه حد است؟
- در بخش پیش رو، مبتنی بر این اهداف و سؤالات، چند متن از گونه‌های زبانی مختلف - حقوقی، شعری، و سخنرانی - با روش توصیفی - تحلیلی واکاوی شده و مؤلفه‌های استدلالی به‌کار رفته در آن‌ها شناسایی خواهد شد.

۴. بحث، بررسی و تحلیل متون نمونه

تولمین، خلاف اسلاف خود به‌ویژه کوهن که فرایند تغییر ادراکی^{۱۷} را انقلابی^{۱۸} دانسته‌اند (یعنی پارادایم‌ها با هم رقابت می‌کنند و جایگزین هم می‌شوند) آن را تکاملی^{۱۹} می‌داند و ویژگی‌های نوآوری و گزینش برای آن قائل است (Toulmin, 1972). بنابراین، مؤلفه‌های مختلف سبک استدلال‌ورزی یک نویسنده یا گوینده اعم از شناسایی نوآوری‌ها و گزینش‌های آن‌ها در طرح دعاوی، زمینه‌های دعاوی، و برهان‌های مختلف عقلی، نقلی، قانونی، عرفی و غیره که در دفاع از دعاوی خود و قناعت مخاطب به‌کار برده‌اند، برای شناسایی سبک غالب وی در اولویت واکاوی قرار می‌گیرند.

در این چارچوب، چند بیت آغازین از شعر «فرشته انس» سروده پروین اعتصامی یکی از نمونه گفتمان‌های منتخب این مقاله است که تحلیل خواهد شد:

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست (ادعای ۱)

در آن وجود که دل مرده، مرده است روان (داده ۱)

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای، قضا ننوشت،

برای مرد کمال و برای زن نقصان (داده ۲)

زن از نخست بود رکن خانه هستی (ادعای ۲)

که ساخت خانه بی پای بست و بی بنیان (داده ۳)

زن ار به راه متاعت نمی‌گذاخت چو شمع

نمی‌شناخت کس این راه تیره را پایان (ادعای ۳)

چو مهر، گر که نمی‌تافت زن به کوه وجود

نداشت گوهری عشق، گوهر اندر کان (ادعای ۴)

فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود

فرشته بین، که برو طعنه می‌زند شیطان (داده ۴)

اگر فلاطن و سقراط، بوده‌اند بزرگ،

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان (برهان)

به گاهواره مادر، به کودکی بس خفت

سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان (برهان پشتوانه)

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه

شدند یکسره، شاگرد این دبیرستان (برهان پشتوانه)

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر

نظام و امن، کجا یافت ملک بی سلطان (برهان پشتوانه)

اعتصامی در ابیات فوق چند ادعا در شأن و مقام زن طرح و سپس تلاش می‌کند با برهان- های عقلی/تجربی از دعاوی خود دفاع کند. البته پروین در این مثال، قبل از بیان برهان‌ها، از بیان چند داده حقیقی نیز بهره برده است. حوزه یا زمینه طرح دعاوی وی را می‌توان فرهنگی/ اجتماعی دانست. در این چند بیت ردپایی از ردیه، و شاخص‌های تضعیف قطعیت مشاهده نمی- شود که خود حاکی از باور عمیق شاعر به گفته‌ها و دعاوی خویش است.

در ادامه، به کاربرد این روش تحقیق پیشنهادی در زبان‌شناسی حقوقی می‌پردازیم که به- نظر می‌رسد متون مرتبط با آن، مهم‌ترین کانون و موضوع روش تحقیق پیشنهادی این مقاله باشد؛ زیرا «زبان حقوقی که ابزار برقراری ارتباط در حوزه حقوق و ضامن اجرای قانون است، همواره برای غیرحقوق‌دانان درک‌نشده بوده است، به‌طوری که زبان‌شناسان اروپایی سبک زبان حقوقی^{۲۰} را گویشی مجزا تلقی می‌کنند (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). درواقع، زبان- شناسی حقوقی، رویکردی نوین در حوزه زبان‌شناسی کاربردی به‌شمار می‌رود (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت متون حقوقی به‌ویژه درخواست‌هایی که خطاب به قاضی نوشته می‌شود، یک لایحه دفاعی به‌عنوان نمونه تحلیل خواهد شد. این درخواست که از سایت تبلیغی - آموزشی «کانون وکلای دادگستری مرکز»^{۲۱} اقتباس شده است، لایحه دفاعی یک وکیل دادگستری را نشان می‌دهد که از اتهام استفاده غیرقانونی موکل خود از آثار و تألیف‌های شاکی دفاع کرده است:

ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر استان

با عرض ادب و تحیت

در مقام اعتراض به دادنامه شماره که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۲ ابلاغ گردیده عرایض

به شرح ذیل به استحضار می‌رساند بذل عنایت را تقاضا دارد:

در خصوص اتهام موکل آقای مبنی بر استفاده [داده ۱] از اثر مورد حمایت قانون [داده ۲] که مستند به ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت تعقیب قرار گرفته [ادعای شاکی] معروض می‌دارد به موجب ماده قانونی یادشده که اشعار می‌دارد «استفاده، نشر، پخش یا عرضه اثر دیگری به شرط آنکه عالماً و عامداً [شاخص ۱] انجام شده باشد جرم است» [برهان قانونی]. در پرونده حاضر موکل بدون آنکه اطلاع داشته باشد عکس‌های مورد استفاده در مجله تبلیغاتی اثر ثبت شده و مشمول حمایت این قانون است به ناشر آن سفارش چاپ تبلیغات را داده است [داده ۳].

البته ذکر این مهم ضروری است که عکس‌ها نه توسط موکل بلکه توسط اشخاص دیگر به ایشان پیشنهاد و با موافقت وی نسبت به انتشار آن اقدام شده است [داده ۴].

بنابراین عنایت دارید احراز آنکه موکل از ثبت اثر مطلع بوده یا حتی کیفیت اثر به گونه‌ای بوده که موضوع ثبت و حمایت آن را تداعی می‌نماید ضروری است [پشتوانه ۱] و قانونگذار با اضافه نمودن قید علم و عمد در متن ماده قانون یادشده به این مهم تأکید داشته که لازم است مرتکب هم بداند اثر ثبت شده بوده [پشتوانه ۲] و هم از عواقب قانونی آن مطلع بوده است [پشتوانه ۳].

مضافاً اینکه ملاحظه و مذاقه در متن ماده ۲۳ و تعیین مجازات ۶ ماه تا سه سال حبس برای ارتکاب چنین جرمی [داده ۵]. اراده قوی قانونگذار را مبنی بر احراز علم و عمد توسط مرتکب نشان می‌دهد [پشتوانه ۴] و بدیهی است هدف قانونگذار اعمال مجازات شدیدی برای جرمی که یکی از ارکان تحقق آن علم و عمد مرتکب می‌باشد بوده و نه کسی که بدون علم و عمل و فقدان سوء نیت عملی را مرتکب شده است [پشتوانه ۵].

بنابر عرایض فوق و از آنجا که موکل از کسبه و تجار قدیمی و باسابقه تهران بوده [داده ۶] و بیش از پنجاه سال سابقه فعالیت تجاری دارد [داده ۷] و در تمام این مدت فاقد هرگونه سوء پیشینه و یا حتی سوء شهرت است [داده ۸]. استدعای رسیدگی و صدور حکم برائت ایشان را دارد [ادعا یا درخواست وکیل].

در چارچوب مدل تولمین، مؤلفه‌های استدلال مشهود در لایحه دفاعیه منتخب برای وضوح بیشتر در جدول ۲ خلاصه شد و آنچه از متن دفاعیه در پاسخ به سؤالات پژوهشی

پیشنهاد شده برمی آید، پس از جدول ۲ به تفکیک آمده است.

جدول ۲. بازنمودن مؤلفه‌های استدلال در نمونه لایحه دفاعیه

Table2: The representation of arguments' components in a sample of defense bill

مؤلفه استدلالی	محتوای مؤلفه
برهان دعوی	برهان قانونی استفاده، نشر، پخش یا عرضه اثر دیگری باشد جرم است
	شاخص قطعیت ۱ به شرط آنکه عالماً و عامداً انجام شده
شاکلی	دارد ۱ استفاده متهم از عکس‌های شاکی بدون اجازه از وی
	دارد ۲ عکس‌ها در مجله‌ای منتشر شده که تحت حمایت قانون منع نشر بوده
و جزییات	ادعا (درخواست) تعقیب متهم و مجازات وی
	دارد ۳ از این که مجله تحت حمایت قانون منع نشر بوده اطلاعی نداشته
	دارد ۴ پیشنهاد استفاده از این عکس‌ها با شخص ثالث و موافقت متهم بوده
	دارد ۵ مجازات ۶ ماه تا سه سال حبس برای نشر غیرمجاز آثار دیگران
	دارد ۶ موکل از کسبه و تجار قدیمی و با سابقه تهران است
	دارد ۷ موکل بیش از پنجاه سال سابقه فعالیت تجاری دارد
	دارد ۸ موکل فاقد هرگونه سوء پیشینه و یا حتی سوء شهرت است
	پشتوانه ۱ ضرورت احراز اطلاع موکل از ثبت اثر
	پشتوانه ۲ تأکید قانون‌گذار بر لزوم علم خاطی به ثبت شدن اثر
	پشتوانه ۳ تأکید قانون‌گذار بر لزوم علم خاطی به مجازات کپی غیرمجاز
	پشتوانه ۴ بدیهی بودن اراده قوی قانون‌گذار مبنی بر احراز علم و عمد توسط مرتکب جرم
	پشتوانه ۵ نامتناسب بودن این مجازات با ارتکاب سهوی و تناسب آن با ارتکاب عمدی
	ادعا (درخواست) صدور حکم برائت و رد درخواست شاکی

• تجزیه و تشریح محتوای دفاعیه

الف) دفاعیه متضمن این است که شاکی قبلاً با استناد به ماده ۲۳ قانون حمایت از مؤلفان و داده‌های ۱ و ۲، ادعای خود مبنی بر تعقیب حقوقی متشاکی و مجازات وی را خواستار بوده است. ظاهراً، رأی اولیه نیز به نفع شاکی صادر شده است.

ب) ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، برهانی قانونی محسوب می-

شود که طرفین دعوی به آن استناد کرده‌اند. در این ماده قانونی، شاخصی وجود دارد که تعقیب و مجازات خاطی را مشروط به ارتکاب عالمانه و عامدانه نشر غیرمجاز می‌کند.

اینک، به شرح و تحلیل مطالبی می‌پردازیم که در متن دفاع وکیل از متهم حاضر است: (ج) با مرور اجمالی این درخواست این نکته برجسته مشاهده می‌شود که وکیل متهم، شاخص قطعیت مشهود در برهان قانونی طرفین یعنی شرط ارتکاب عالمانه و عامدانه را مستمسک و مستند اصلی خود قرار داده، و ادعا یا درخواست برائت موکل خود را خواستار شده است. درخواست وکیل، به نوعی، ردیه بر ادعای شاکی نیز محسوب می‌شود.

(د) وکیل از ۶ داده از جنس حسی - تجربی، یعنی داده‌های ۳ تا ۸، استفاده کرده است، و این داده‌ها تماماً حول این محورند که به قاضی بقبولاند شرط مذکور در این برهان درباره موکل صادق نیست.

(ه) در این درخواست، وکیل ۵ پشتوانه از جنس وجدانی/ عقلی بیان کرده که همه آن‌ها، به طریقی، شاخص قطعیت برهان را هدف قرار داده‌اند: (۱) احراز اطلاع موکل ضروری است؛ (۲) لازم است مرتکب از ثبت قانونی اثر مطلع بوده باشد؛ (۳) لازم است مرتکب از میزان مجازات جرم مطلع باشد؛ (۴) قانون‌گذار بر احراز علم و عمد تأکید کرده است؛ (۵) میزان مجازات با ارتکاب سهوی نامتناسب است. هدف قرار دادن این شاخص قطعیت از جهات مختلف ذهن و وجدان قاضی را با این سؤال مواجه می‌کند که چه دلیل محکمه‌پسندی دارد تا ارتکاب عالمانه و عامدانه را اثبات کند؟

با توجه به مندرجات فوق، در ادامه، به تحلیل گفتمانی این مسئله می‌پردازیم که در این درخواست دفاعی چه مطالبی به نظر غایب می‌رسد:

(و) در داده‌هایی که وکیل ارائه کرده است، اثری از شاخص‌های قطعیت مبنی بر پوشیده-گویی، عناصر دال بر شک و تردید و نظیر این‌ها مشاهده نمی‌شود، در عوض، در داده ۸ از شاخص فراگیر «هرگونه» پیش از «سوء پیشینه» استفاده شده است. این مورد نقطه قوت این دفاعیه محسوب می‌شود.

(ز) به نظر می‌رسد یا برهان قانونی دیگری - غیر از شرط مذکور در ماده ۲۳ - که وکیل می‌توانسته از آن به‌عنوان پشتوانه استفاده کند وجود نداشته، و یا وی از آن بی‌خبر بوده است.

(ح) در این دفاعیه آن طور که باید و شاید از سایر مستندات و برهان‌های عقلی، تجربی،

عرفی، نقلی، و ... در مقام پشتوانه استفاده نشده است. به نظر می‌رسد در برخی از دفاعیه‌ها ناکامی وکیل در بیان برهان‌های متنوع و مختلف را بتوان ضعف بزرگی محسوب کرد.

در ادامه با تحلیل برشی از سخنرانی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت امریکا به این مبحث پایان می‌دهیم که در دوره تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری ایالات متحده قبل از انتخابات در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۶ درباره سیاست خارجی کشورش ایراد کرده است^{۲۲}:

«...من می‌خواهم امروز درباره چگونگی ایجاد سیاست خارجی جدید برای کشورمان صحبت کنم [داده ۱]. سیاستی که هدف‌گرایی را به جای اقدام تصادفی، استراتژی را به جای ایدئولوژی، و صلح را به جای هرج و مرج خواهد نشانند [ادعای ۱]. ... وقت آن است که صداها و دیدگاه‌های جدید را به کار بندیم [ادعای ۲].

... مسیری که من می‌خواهم امروز در پیش گیرم، ما را به یک اصل بدون تاریخ مصرف بازمی‌گرداند [ادعای ۳]. سیاست خارجی من همیشه منافع مردم امریکا و امنیت امریکا را بالاتر از همه چیز قرار خواهد داد [ادعای ۴]. باید اول باشد [برهان عقلی/هیجانی ۱] باید باشد [شاخص قطعیت]. ... برای به تصویر کشیدن مسیر پیش رو، ما ابتدا باید به گذشته نگاهی اجمالی بیندازیم [داده ۲]. ما خیلی کارها کرده‌ایم [ادعای ۵] که باید [شاخص] به آن افتخار کنیم [ادعای ۷].

در دهه ۱۹۴۰ ما جهان را نجات دادیم [ادعای ۸]. بزرگ‌ترین نسل (ما) نازی‌ها و امپریالیست‌های ژاپنی را به عقب راند [ادعای ۹]. سپس دوباره دنیا را نجات دادیم و این بار، از (خطر) توتالیتاریسم و کمونیسم [ادعای ۱۰]. جنگ سرد چند دهه طول کشید [داده ۱]. اما، حدس بزنید چه شد! ما برنده شدیم و کار بزرگی کردیم [ادعای ۱۱]. دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان با همکاری همدیگر آقای گورباچف را وادار کردند به سخنان رئیس‌جمهور ریگان، رئیس‌جمهور بزرگ ما، اعتنا کند [ادعای ۱۲]. وقتی که او گفت، این دیوار را فرو بریزید [داده ۲].

تاریخ کاری که او کرد را فراموش نخواهد کرد [ادعای ۱۳]. یک مرد بسیار ویژه و رئیس جمهور [داده ۳]. متأسفانه، پس از جنگ سرد، سیاست خارجی ما به طرز بدی تغییر مسیر داد [ادعای ۱۴]. ما در خلق بینش نو برای زمان نو ناکام ماندیم [ادعای ۱۵]. درحقیقت

[شاخص]. با گذشت زمان، سیاست خارجی ما به تدریج بی‌معناتر شد [ادعای ۱۶]. منطق با حماقت و غرور جایگزین شد، که به فجایع سیاست خارجی یکی پس از دیگری منجر شد [ادعای ۱۷].

آن‌ها فقط می‌آیند و می‌آیند [ادعای ۱۸]. ما به اشتباه [شاخص] به عراق و از آنجا به مصر و به لیبی، و پس از این‌ها، با سیاست رئیس‌جمهور اوباما به شن‌زار سوریه رفتیم [داده ۴]. هر یک از این اقدامات در این سهم دارد که این منطقه را به هرج و مرج بکشاند [ادعای ۱۹] و به داعش فضای لازم برای رشد و شکوفایی بدهد [ادعای ۲۰]. خیلی بد. همه این‌ها با یک ایده خطرناک آغاز شد که ما می‌توانیم [شاخص] دموکراسی‌های غربی را در کشورهایی پیاده کنیم که هیچ تجربه یا علاقه‌ای به تبدیل شدن به یک دموکراسی غربی نداشتند [داده ۵].

ما هر [شاخص] نهادی که داشتند در هم شکستیم [ادعای ۲۱] و سپس، شگفت‌زده شدیم از آنچه که به راه انداختیم [ادعای ۲۲]. جنگ داخلی، تعلق مذهبی؛ فقط هزاران امریکایی کشته شدند، چه زندگی‌ها، زندگی‌ها، زندگی‌هایی، هدر رفت! و وحشیانه هدر رفت [داده ۶]. در نتیجه تریلیون‌ها دلار از دست رفت [ادعای ۲۳]. این خلأ ایجادشده را داعش پر کرد [ادعای ۲۴]. ایران نیز به سرعت از آن به نفع غنی‌سازی غیرمنصفانه‌اش استفاده کرد [ادعای ۲۵].

متأسفانه، آن‌ها خیلی سود برده‌اند، به دلیل (سیاست) ما [ادعای ۲۶]. سیاست خارجی ما یک فاجعه کامل و مطلق است [ادعای ۲۷]. نه بینش! نه هدف! نه مسیر! نه استراتژی! [ادعای ۲۸] امروز من می‌خواهم پنج ضعف عمده در سیاست خارجی‌مان را برشمارم [ادعای ۲۹] ... آخرین ضعف، ... اقدامات ما در عراق، لیبی و سوریه کمک کرد تا داعش رها و افسارگسیخته شود [ادعای ۳۰]. ...»

اگرچه تعمیم نتایج تحلیل بخشی از یک سخنرانی به کل آن، ارزش استنادی ندارد؛ اما این مسئله با توجه به هدف این مقاله قابل توجه است و از ارزش آموزشی/ پژوهشی آن چیزی کم نمی‌کند. به هر حال، با تحلیل این برش که بخش آغازین یکی از سخنرانی‌های تبلیغاتی ترامپ محسوب می‌شود، به سؤالات پژوهشی مطرح در بخش روش تحقیق پاسخ می‌دهیم:

پاسخ به سؤال ۱: ترامپ در مقام نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در این برش ۳۰

ادعا مطرح می‌کند. چنان‌که ضمن تشریح مدل تولمین گفته شد این موارد در این چارچوب ادعا محسوب می‌شوند؛ زیرا در محضر رقیب نیاز به اثبات دارند. از این دعاوی، چند مورد نخست درباره برنامه سیاست خارجی پیشنهادی وی است و مابقی به نتایج اقداماتی مربوط است که به زعم او نتیجه سیاست‌های قبلی امریکا در جهان و خاورمیانه محسوب می‌شود.

پاسخ به سؤال ۲: در مقدمه سخنانی ترامپ فقط یک برهان از جنس عقلی/هیجانی در دفاع از ادعای تغییر در برنامه سیاست خارجی (دعای ۱ تا ۳) به چشم می‌خورد. از آنجا که تغییر برنامه در جهت کسب منافع و امنیت بیشتر امری بدیهی است این برهان عقلی، و چون به هدف برانگیختن احساسات مخاطب ادا شده است، هیجانی تلقی شد.

پاسخ به سؤال ۳: این سخنان، هرجایی لازم دانسته از شاخص‌های قطعیت به‌خوبی استفاده کرده است. الف) ترامپ، بر تنها برهان خود با شاخص «باید باشد» تأکید کرده است تا در مخاطب تأثیر هیجانی بیشتری ایجاد کند؛ ب) ادعای ۷ نیز با شاخص «باید» همراه شده تا ارزش صدق سخن افزون شود؛ ج) در ادعای ۱۶ نیز با شاخص «درحقیقت» بر ارزش صدق سخن تأکید شده است؛ د) ترامپ، گزاره مطرح در داده ۴ مبنی به لشکرکشی امریکا به عراق و لیبی و سوریه را با شاخص «به اشتباه» همراه می‌کند تا هم از اقدامات گذشته انتقاد کند و هم نامزد رقیب را به چالش بکشد؛ ه) این سخنان با طرح شاخص «می‌توانیم» در داده ۸ مبنی بر دلیل سیاست خارجی گذشته، درواقع، در بافت کلام به مخاطب القا می‌کند که «درنهایت نتوانستیم» و بدین‌ترتیب برنامه‌های نامزد رقیب را که از کارگزاران دولت قبل به‌شمار می‌آید، ضعیف و ناتوان معرفی می‌کند.

پاسخ به سؤال ۴: ترامپ برای دفاع از دعاوی خود، نه‌تنها داده‌ها و حقایق کافی مطرح نکرده است، بلکه درباره صحت برخی از داده‌هایی که مطرح کرده نیز می‌توان تردید کرد.

پاسخ به سؤال ۵: تحلیلگران سیاسی متخصص که به اسناد و مدارک و آمار دسترسی دارند ممکن است بتوانند داده‌ها و دعاوی ترامپ را رد کنند. از ۳۷ مورد نشان‌گذاری شده از سوی نگارنده ۳۰ مورد ادعا، ۶ مورد داده، و تنها ۱ مورد برهان به چشم می‌خورد. به دیگر سخن، قریب به ۸۱ درصد از سخنان ترامپ در این برش، بیشتر ادعاهایی هستند که در باب ناکارآمدی سیاست‌های امریکا طرح شده‌اند.

البته، طرح یکی دو ادعا از جانب ترامپ به نظر درست می‌رسد! به لحاظ کاربردشناختی،

ادعاهای ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۶، و ۳۰ ترامپ دارای تلویح‌ها و پیش‌انگاشت‌هایی مبنی بر روی کار آوردن و جولان دادن به داعش است؛ تروریست‌هایی که گویا صرفاً به هدف اسلام‌هراسی اجیر شده‌اند. درمجموع، با سخنرانی پرادعا مواجه هستیم که در سبک او استفاده از برهان و داده‌های حقیقی جای چندانی ندارد. در عوض، طرح سلسله‌وار ادعاهایی را شاهد هستیم که بسیار زیرکانه در قالب داده‌ها و وقایع حقیقی طرح شده است بدون اینکه از دیدگاه رقیب پشتوانه‌ای داشته باشند.

۵. نتیجه

مباحثه استدلالی در رایج‌ترین شکل آن، شامل یک فرد حامی و یک فرد مخالف درگیر در گفت‌وگوست که تلاش می‌کنند بر دیگری فائق آیند. این فرایند، معمولاً، با طرح داده‌هایی درست یا غلط آغاز می‌شود، و با ارائه دلیل و برهان اوج می‌گیرد و به نتیجه‌گیری یا ادعا، ختم می‌شود. تولمین با ملاحظه این فرایند استدلالی و مذاقه در نظریه‌پردازی فلاسفه نسبی‌گرا و مطلق‌گرا در این خصوص، به ارائه مدلی شش مؤلفه‌ای دست یازید که از برخی جنبه‌ها مطلق‌گرا و از برخی دیگر نسبی‌گرایانه است.

در مدل تولمین، استدلال دارای اجزای (۱) ادعا، (۲) برهان، (۳) داده‌های حقیقی، (۴) شاخص‌های قطعیت، (۵) پشتوانه، و (۶) ردیه است، که سه مورد اول، لازم، و سه جزء آخر، اختیاری‌اند. با گذر زمان، زمره‌های ظرفیت کاربرد این مدل در مسائل زبان‌شناختی و تحلیل گفتمانی شنیده شد. در همین راستا، با توجه به فقدان روش تحقیقی سامان‌یافته در این زمینه، در پژوهش حاضر با طراحی چند هدف و سؤال پژوهشی بر اساس این مدل، روش تحقیق مدونی پیشنهاد شد تا بتوان از توان تحلیلی این مدل در حوزه‌های سبک‌شناسی، زبان‌شناسی حقوقی و تحلیل گفتمان بهره گرفت.

طبق مدل پیشنهادی، واکاوی سبک غالب استدلال‌ورزی نویسنده، خطیب، وکیل، یا شاعر منتخب در اثری گزیده از وی در چارچوب مؤلفه‌های مدل تولمین به‌عنوان هدف کلی تعیین و با توجه به اهداف خرد سؤالات پژوهشی زیر طرح شد:

(۱) خالق متن چه ادعاهایی و آن‌ها را در چه زمینه‌هایی طرح کرده است؟ (۲) خالق متن از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی (عقلی، قانونی، نقلی، تجربی و ...) برای اقناع مخاطب و اثبات دعاوی

خود استفاده کرده است؟ ۳) بررسی شاخص‌های قطعیت مطرح در کلام خالق متن چه نتیجه‌ای در بر دارد؟ ۴) خالق متن برای اینکه شنونده یا خواننده رابطه ادعا و برهان مطرح را درک کند، چه مفروضات یا داده‌های ارائه کرده است؟ ۵) تحلیلگر متخصص در برابر دعاوی خالق اثر چه نقیض یا ردیه‌ای می‌تواند ارائه دهد؟ به عبارت دیگر، ثبات دعاوی مطرح تا چه حد است؟ کاربری روش تحقیق پیشنهادی نیز روی متونی از سه ژانر متنوع یعنی شعر «فرشته انس» از اعتصامی، نمونه‌ای از یک لایحه دفاعی، و یکی از سخنرانی‌های سیاسی ترامپ، رئیس جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا، با روش توصیفی - تحلیلی واکاوی شده و مؤلفه‌های استدلالی به کار رفته در آن‌ها شناسایی شد که نتایج کلی این تحلیل‌ها به شرح زیر است:

اعتصامی در شعر «فرشته انس» چند ادعا در شأن و مقام زن با زمینه فرهنگی/اجتماعی طرح کرده است. داده‌هایی که اعتصامی در این زمینه به کار برده کاملاً ملموس و حقیقی است و با برهان‌های عقلی و تجربی بین آن‌ها و دعاوی خود پل زده است. در ابیات تحلیل‌شده ردپایی از ردیه، و شاخص‌های تضعیف قطعیت مشاهده نشد که نشان از باور عمیق شاعر به گفته‌ها و دعاوی خویش بوده است.

تحلیل نمونه لایحه دفاعی نیز نتایجی در بر داشت که مجدداً به نقطه قوت و ضعف آن اشاره می‌کنیم: در داده‌هایی که وکیل ارائه کرده است، اثری از شاخص‌های قطعیت مبنی بر پوشیده‌گویی، عناصر دال بر شک و تردید و نظیر این‌ها مشاهده نشد که به نوعی نقطه قوت این دفاعیه محسوب می‌شود. از طرفی، در این دفاعیه غیر از یک برهان قانونی که شاکی نیز از آن بهره برده از سایر مستندات و برهان‌های عقلی، تجربی، عرفی، نقلی، و ... در مقام پشتوانه استفاده نشده است که در صورت وجود برهان(های) دیگر این کمبود، ضعف بزرگی است.

تحلیل بخشی از سخنرانی ترامپ قبل از تصدی پست ریاست جمهوری درباره سیاست خارجی آمریکا نیز نتایج خاصی در بر داشت. در مجموع، در سبک ترامپ در این سخنرانی استفاده از برهان و داده‌های حقیقی جای چندانی ندارد. در عوض، طرح سلسله‌وار ادعاهایی فاقد پشتوانه را شاهد بودیم که بسیار زیرکانه در قالب داده‌ها و وقایع حقیقی طرح شده‌اند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Argumentation theory
2. logical reasoning

3. foundationalism
4. claim
5. data
6. warrant
7. backing
8. rebuttal
9. qualifiers
10. Absolutism
11. Relativism
12. argument
13. reasoning
14. argument fields
15. field-dependent
16. Field-independent
17. Conceptual change
18. Revolutionary
19. Evolutionary
20. Legalese
21. <http://vakilbashiri.com/articles/26548/>

۲۲. ترجمه این برش از متن سخنرانی از نگارنده اول است و متن کامل آن به زبان انگلیسی در سایت اینترنتی نشریه نیویورک تایمز موجود است.

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- آقاگل‌زاده، فردوس و همکاران (۱۳۸۹). «تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی براساس الگوی خلاق: رویکرد حوزه زبان‌شناسی حقوقی». *جستارهای زبانی*. د ۱. ش ۱. صص ۱۱-۲۸.
- اکبری، رضا و همکاران (۱۳۹۳). «بازخوانی نظریه شهید صدر در تفسیر موضوعی قرآن کریم با تأکید بر اندیشه هرمنوتیکی گادامر». *مطالعات قرآن و حدیث*. س ۷. ش ۲. صص ۳۷-۶۱.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۸ق). *المدرسه القرآنیة*. قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر.

- قاسم‌پور، محسن و مریم نظریگی (۱۳۹۲). «رهیافت روش‌شناسانه شهید صدر در موضوع نظریه قرآنی». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. ش ۳. صص ۲۶ - ۴۴.
- مزینانی، ابوالفضل (۱۳۹۶). *گفتمان‌کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم*. رساله دکتری منتشرنشده. دانشگاه فردوسی مشهد.
- مزینانی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان موضوعی: تلفیقی از رویکرد تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم». *جستارهای زبانی*. د ۹. ش ۳. صص ۱ - ۳۳.

References:

- Aghagolzadeh, F. (2005). "Forensic Linguistics: A New Approach to Applied Linguistics". *Proceedings of the First Conference of the Iranian Linguistics Society*. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. [In Persian].
- -----, et al. (2010). "Linguistic analysis of judicial sentences based on the creative model: forensic linguistic approach". *Language Related Research*. Vol. 1. Issue 1. Pp 11-28. [In Persian].
- Akbari, R.; M. Shirzad & M. Shirzad (2015). "A Re-reading of Sadr's theory on thematic exegesis of holy Quran on the basis of Gadamer's hermeneutics. *Quran and Hadith Studies*. Vol. 7. Issue 2. Pp. 37-61. [In Persian].
- Bruce Gronbeck. (1980). "From Argument to Argumentation: Fifteen Years of Identity Crisis". Jack Rhodes and Sara Newell, (Eds) *Proceedings of the Summer Conference on Argumentation*. Pp. 68-75.
- Ghasempour, M. & M. Nazarbeygi (2013), "Shahid Sadr's methodology in Quranic doctrine". *Quranic Language and Interpretation*. Vol. 2. Issue 1. Pp. 27-44. [In Persian].
- Loui, Ronald P. (2006). "A Citation-Based Reflection on Toulmin and Argument". In Hitchcock, David; Verheij, Bart. (Eds). *Arguing on the Toulmin Model: New Essays in Argument Analysis and Evaluation*. Springer Netherlands. Pp. 31-38.

- Mazinani, A. (2017). *Designing Topic-based Discourse Analysis Model Based on Discourse-Historical Approach and the Holy Quran Exegesis: A Case Study of Distributive Justice in the Eyes of the First Imam of Shi'as*. Unpublished PhD Dissertation. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Mazinani, A.; A. Alizadeh & A. Azad (2017). "Topic-based discourse analysis model: A mixed discourse-historical approach and the Holy Quran thematic exegesis. *Language Related Research*. Available online at http://lrr.modares.ac.ir/article_16964.html. [In Persian].
- Reisigl, M. & R. Wodak (2009). "The Discourse-Historical Approach". In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (2nd ed. Pp. 87–121). London, UK: Sage.
- Sadr, S. M. B. (2006). *The Quranic School*. Qom: Center for the Specialized Arguments and Teachings of Shahid Sadr. [In Persian].
- Toulmin, E. (1958 [2003]). *The Uses of Argument*. 2nd edition 2003 .
- ----- (1972). *Human Understanding: The Collective Use and Evolution of Concepts* .
- Wodak, R. (2001). "The Discourse-historical Approach". In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (Pp. 63–94). London: Sage.
- ----- (2015). "Critical Discourse Analysis, Discourse-historical Approach". In Karen Tracy (Ed.). *The International Encyclopedia of Language and Social Interaction*, first Edition. UK: John Wiley & Sons, Inc.